

احوال نخستین خون‌خواه حسینی، «مسیب بن نجبه الفزاری»، در گزارش‌های تاریخی

میلاذ جعفرپور*

چکیده

مسیب بن نجبه یکی از اصحاب امام علی(ع) و از خواهران امامت حسنین(ع) بوده است. چنان‌که از اشارات برخی متون ادبی برمی‌آید، مسیب پس از واقعه‌ی کربلا نخستین کسی است که برای رهایی اهل بیت امام حسین(ع) به تعقیب کاروان اُسرای شام می‌رود و اخبار و داستان خروج او در حماسه‌ای ناشناخته تحت عنوان مسیب‌نامه گزارش شده است. گذشته از آن، به استناد متون تاریخی، مسیب به همراه سلیمان صرد خزاعی از بزرگ‌ترین رهبران نهضت شیعی توأین محسوب می‌شوند که به خون‌خواهی امام حسین، بر علیه امویان خروج کردند.

باوجود این سابقه‌ی تاریخی و ادبی، نه تنها تا کنون محققان جستار مستقل و روشمندی در هویت مسیب و کارنامه‌ی احوالش به دست نداده‌اند، بلکه اشاره‌ای هم در پژوهش‌ها بدو نشده است. نظر بدین نقصان، مقاله‌ی حاضر برای نخستین بار، گزارش مفصلی از احوال مسیب بن نجبه به دست داده است.

رویکرد نگارنده در این مقاله، تاریخی - فرهنگی است، لذا نخست مبانی نظری تحقیق در بخشی بررسی شده، سپس توصیف مفصلی از هویت نسبی، اوصاف و القاب و فضایل مسیب بن نجبه ارائه شده است، آن‌گاه با محوریت نقش امام علی(ع)، دوران حیات و کارنامه‌ی‌های مسیب بن نجبه در سه بازه‌ی زمانی تشریح شده است و در پایان به یادکردهای صاحب‌القبض از مسیب توجه شده است.

کلیدواژه‌ها: مسیب بن نجبه، نام و نسب، اوصاف و القاب، فضایل، دوران حیات، اشارات تاریخی و ادبی.

۱. مقدمه

جهان اسلام از دیرباز، پیوند عمیقی با واقعه‌ی عاشورا و آرمان‌های قیام امام حسین (ع) پیدا کرد و مجموعه‌ای از مفاهیم و اعتقادات ملل حق طلب حول آن نظام یافت و بسیاری از جنبش‌های مذهبی و اجتماعی تحت تأثیر آن شکل گرفت. واقعه‌ی عاشورا و قیام امام حسین (ع) فصل مهمی از تاریخ اسلام محسوب می‌شود که بسیاری وقایع بر محور آن روی داد و چه بسیار نام‌هایی که در ارتباط با کربلا و به نیکویی یا ناخوبی کردار صاحبانشان بر سر زبان‌ها افتاد.

مسیب بن نجبه، یکی از شخصیت‌هایی است که نقش مهمی در ارتباط با وقایع پس از عاشورا دارد، علاوه بر نقش پررنگ وی در دوران امامت حضرت علی و امام حسن (ع)، به اشاره‌ی صاحب روضه‌الشهدا نخستین کسی که در پی باز پس‌گیری رئوس شهدا و اهل بیت در بند قتل‌های کربلا خروج کرد، مسیب بود؛ اما بدین کار توفیق نیافت:

ابوسعید دمشقی گوید من همراه آن جماعت بودم که سر حسین را به شام می‌بردند. چون نزدیک دمشق رسیدند، خبری در میان مردم افتاد که مسیب بن قعقاع خزاعی لشکری جمع کرده می‌خواهد شیبخون آرد و سرها را بازستاند. سرداران لشکر مضطرب گشته با احتیاط تمام می‌رفتند (کاشفی سبزواری، ۱۳۹۰: ۶۶۲).

همین کردار مسیب و نخستین خروجش و نیز حضور او در میان توأبیین و پی‌رفت شهادت مسیب در عین‌الورده سبب شد تا مورد توجه داستان‌پردازان ادبیات انتقام نیز واقع شده و حماسه‌ای پرشاخ و برگ‌ی هم تحت عنوان مسیب‌نامه در شرح کردارهای او پرداخته شود؛ مسیب بن نجبه در این حماسه علاوه بر آزاد ساختن امام زین‌العابدین (ع) و اهل بیت از بند و بازپس‌گیری رئوس شهدا، در پی تأسیس حکومتی شیعی نیز هست. چرا که یکی از پیامدهای قیام امام حسین (ع) و شهادت ایشان، تحریک انگیزه‌ی اقتدار سیاسی تشیع و تلاش برای ایجاد یک دولت مستقل شیعی بود. هرچند سابقه‌ی طرح چنین موضوعی به ابتدای امامت امیرالمؤمنین علی (ع) باز می‌گردد؛ اما پس از شهادت امام حسین (ع)، به عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری نهضت‌های شیعی در مبارزه با خلفای جور اموی و عباسی دوباره قوت پیدا کرد و چهره‌ی جدی و نظامی به خود گرفت و در قرن دوم هجری با قیام ابومسلم خراسانی در ایران به اوج رسید. ازین روست که در ادبیات انتقام تشیع، از مسیب بن نجبه، مختار ثقفی و ابومسلم خراسانی به عنوان سه منتقم بزرگ یاد شده است.

۱.۱ تعریف مسئله و ضرورت تحقیق

نگارنده پس از تصحیح حماسه‌ی مسیب‌نامه که چهار سال به طول انجامید، با توجه به یافته‌های مهم پژوهش خود و نیز نبود شناخت لازم از شخصیت مسیب بن نجبه در ایران، کوشیده است تا گزارشی مختصر ارائه دهد که یکسره معطوف به هویت و احوال مسیب در تاریخ اسلام و نقش او در وقایع پیش و پس از عاشوراست. علی‌رغم شناختگی مختار ثقفی و ابومسلم خراسانی در نهضت خون‌خواهان حسینی، تا امروز هیچ توجهی به مسیب بن نجبه و نقش او در جنبش منتقمان نشده است و لذا کاوش در این حوزه دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای را به دست خواهد داد.

۲.۱ روش و پرسش پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی تاریخی و به روش کتابخانه‌ای انجام شده و به دنبال پاسخ به پرسش‌های ذیل بوده است؟

هویت مسیب بن نجبه بنا بر گزارشات تاریخی چیست؟

مسیب بن نجبه چه جایگاهی در دوران امامت حضرت علی و حسنین علیهم‌السلام داشته است؟

مسیب بن نجبه در جنبش توأبین چه نقشی بر عهده داشته و وجوه اهمیت او در تاریخ تشیع چیست؟

۳.۱ پیشینه پژوهش

با وجود سابقه‌ی تاریخی و وجهه‌ی ادبی مسیب در جهان اسلام، تا امروز هیچ پژوهش مستقلی در معرفی شخصیت مسیب، بازتاب کردارهای او در ادب فارسی و عربی و تحریرات بزرگ و کوچک مسیب‌نامه انجام نشده است و به زحمت می‌توان اشارات اندک‌شمار از مسیب‌نامه را در تحقیقات فهرست کرد.

رضا یلدرم در مقاله‌ای با عنوان «به نام خون حسین: خاطره‌ی کربلا به منزله‌ی محرکی ایدئولوژیک در تحول صفویه» (۲۰۱۵) یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات تاریخ‌نگاری صفویان را، شناخت آبشخورهای ایدئولوژیک تمایل قزلباشان در به سلطنت رسانیدن صفویه در ایران می‌داند. او در این مقاله، یکی مفاهیم متداول و پایدار مورد توجه روحانیون

دوره‌ی تحوّل، یعنی اشتیاق به خون‌خواهی امام حسین(ع) را به بحث کشیده که در اصطلاح «صاحب‌خروج» نهادینه شده و با ادبیات حماسی و شفاهی کربلا ارتباط مستقیم دارد.

پس از مدّت‌ها سکوت در ایران، محسن پورمختار در سال (۱۳۹۳) به بهانه‌ی معرفی دست‌نوشته‌ی فارسی ناشناخته‌ای از مسیب‌نامه، در نخستین همایش ملی نگاهی نو به ادبیات عامه شرکت کرد و مقاله‌ای را با عنوان «نکاتی درباره‌ی داستان عامیانه‌ی مسیب‌نامه و معرفی نسخه‌ی فهرست‌ناشده‌ای از آن» ارائه داد (ر. ک. کتاب‌نامه: پورمختار).

عبدالباقی چتین یک سال پس از انتشار ترجمه‌ی ترکی مسیب‌نامه (۲۰۰۷)، در مقاله‌ای تحت عنوان «مسیب‌نامه بر اساس مسیب‌نامه» (۲۰۰۸) به نقد ترجمه محمد دُرسوم اِردِم پرداخته است.

صدرالدین الهی در سال ۱۳۷۹ پس از مطالعه‌ی یکی از چاپ‌های بازاری مسیب‌نامه، در مقاله‌ای با عنوان «پس از خواندن کتابی درباره‌ی یک حماسه‌ی دینی عامیانه، مسیب‌نامه»، با تکیه‌ی بر روحیه‌ی فرهنگی و مذهبی حاکم بر همین چاپ بازاری مسیب‌نامه، ابتدا در ده صفحه خلاصه‌ای از طرح کلی مسیب‌نامه به دست داده، سپس در سه صفحه برداشت آزاد خود را از مسیب‌نامه بیان کرده و بنا بر دلایلی واهی و غیر علمی مسیب‌نامه و نظایر آن را در قیاس با حماسه‌های منظوم (خاوران‌نامه، صاحب‌قران‌نامه، حمله‌ی حیدری، خداوندنامه و...) بسیار ضعیف‌تر و سخیف‌تر ارزیابی کرده است. او معتقد است که مسیب‌نامه، طومارنویسی ناشیانه‌ای از نقالی‌های مذهبی است و راوی هر آن مطلبی را که شنونده بپسندد بر زبان می‌آورد، بدین سبب در مسیب‌نامه‌ی بازاری زبان نقلی عامیانه بر بیان حماسی غالب آمده است.

محمدجعفر محجوب در میان درس‌گفتارهای خود هنگامی که به بحث از انواع قهرمان در داستان‌های فارسی پرداخته، تنها یک بار از مسیب‌نامه نام برده است:

«بعضی اوقات قهرمانان این‌گونه داستان‌ها از میان صحابه و تابعین یا فرزندزادگان پیامبر اکرم برگزیده می‌شدند؛ مانند مسیب‌نامه که قهرمان آن مسیب بن قعقاع خزاعی است» (ر. ک. محجوب، ۱۳۸۷: ۱۷۵).

۲. مسیب در گزارشی تاریخی

۱.۲ نام و نسب

منابع موجود کمتر به صورت مفصل متوجه هویت مسیب شده و راویان اخبار نیز اغلب در گزارشات خود تنها به ذکر نام پدر یا جد او بسنده کرده‌اند؛ اما در این میان، احتمالاً تنها ابن عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ ه.ق.) است که در «تاریخ مدینه دمشق» مدخل مستقلاً را در هفت صفحه برای معرفی مسیب ترتیب داده و نام نه تن از اسلاف مسیب را در نسب‌نامه‌اش ذکر کرده و اگر در صورت نامی هم شک داشته در پانوشت از نام احتمالی دیگر آن یاد کرده است:

«المسیب بن نجبه بن ربيعة بن رباح بن ربيعة بن عوف بن هلال بن شمع بن فزارة بن ذبیان الفزاري» (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۱۹۳/۵۸؛ نیز ر. ک. امین الحسینی العاملی، ۱۴۰۳: ۱۲۵/۱۰؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۹۰۹/۱۳؛ زرکلی، ۱۹۶۹: ۱۲۴/۸ - ۱۲۵؛ ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۴۴۸/۱۰؛ ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۰۶: ۱۲۲؛ عسقلانی، ۱۹۹۵: ۸۱/۴). أعثم کوفی از دو مسیب به اختلاف نسب در الفتوح نام برده است (ر. ک. أعثم کوفی، ۱۳۸۶: ۵۲۵ - ۵۲۷، ۵۲۹، ۷۷۱، ۸۳۹، ۸۸۱).

برخی منابع دیگر بدون ذکر سند، اختلافاتی هم در کیفیت نام و القاب مسیب به صورت «نجبه / نجیه»، «رباح / ریاح»، «فزاری / فزازی» آورده و خود را سر در گم کرده‌اند^۲ و ما به دلیل نبود شواهد کافی و گزارشات متقدم پرداختن بدان را مصداق «آب در هاون کوبیدن» انگاشته‌ایم.

مسیب نعت فاعلی مصدر تسیب است و در کتب لغت از معنای آن به صورت‌های «آزادکننده‌ی بنده»، «بدون محافظ و نگاهبان» و «رهاکننده‌ی آب یا ستور به حال خود» تعبیر شده که دو صورت نخست ارتباط بیشتری با هویت پهلوان خون‌خواه روایت دارد، البته در برخی دست‌نوشته‌ها نیز نام «مسیب» به صورت «مُصیب» در معنای «راست‌کار، امین، تیر به نشانه‌رسیده؛ مقابل مُخطی» تحریر شده است؛ هر چند این صورت نام نیز پذیرفتنی به نظر می‌رسد؛ اما بنا بر ضبط تواریخ مورد تأیید نیست.

۲.۲ اوصاف و القاب

مسیب در اخبار و گزارشات تاریخ منتسب به قبیله‌ی «فزاره» است؛ اما احتمالاً نزدیکی و همکاری او با سلیمان صُرد خزاعی در نهضت توأبیین بهانه‌ای شده تا داستان‌پردازان او را نیز در روایات داستانی «خزاعی» خطاب کنند.

«فزاره» یکی از اخلاف دودمان حضرت اسماعیل(ع) است که فرزندان او در سرزمین حجاز توالد کرده و برخی نیز به عراق مهاجرت کردند و قبیله‌ی فزاره منتسب بدین شخص است. فزاره از قبایل بزرگ و پرجمعیت عراق عرب محسوب می‌شده و محدوده‌ی جابه‌جایی آنان در فصول مختلف سال فاصله‌ی جغرافیایی نواحی بایر شمال کوفه تا نزدیکی مرزهای شام را در بر می‌گرفته است. در جنگ‌های دوران خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) اغلب مردان این قبیله هواخواه و مددکار امام بوده‌اند و از این میان ایشان، مسیب بن نجبه بر دیگران سبقت بسیاری داشته است.

برخلاف گزارش روایت داستانی، هیچ یک از تواریخ موجود مسیب را با برنامه «قعقاع»، نام‌آوایی برای «صدای برخورد ضربات گرز»، خطاب نکرده‌اند؛ اما یکی از یاران و هم‌زمان مسیب «القعقاع بن عمرو» نام دارد که در اغلب نبردهای امام علی(ع) در کنار مسیب مصاف می‌کند (ر. ک. ابن شهر آشوب، ۱۹۹۱: ۱۷۸/۳؛ ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۴۴۸/۱۰)؛ از آنجایی که در روایت داستانی زین‌ابزار ویژه‌ی مسیب گرز گرانی بوده و راویان هم برای آن شجره‌ای اسطوره‌ای دست‌وپا کرده‌اند که از نوح(ع) و سام نریمان تا مضراب‌شاه را شامل می‌شده، الحق بر ذوق خلّاق آنان ناخوش آمده که مسیب برنامه‌ی گرزگون هم نداشته باشد؛ لذا از نام هم‌رزم مسیب که توارد زمانی هم با او داشته بهره‌ی خوبی گرفته مسیب را «قعقاع» لقب داده‌اند.

۳.۲ فضایل

مسیب هر چند روزگار پیامبر(ص) را درک نکرد؛ اما عساکر و برخی دیگر مسیب را راوی حدیث دانسته و برخی احادیث منقول مسیب را نیز با سلسله‌ی زُوات آن ذکر کرده‌اند که اغلب به یک یا دو واسطه از حضرت علی(ع) و امام حسن(ع) نقل می‌شده است (ر. ک. ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۱۹۳/۵۸؛ عسقلانی، ۱۹۹۵: ۸۱/۴). علاوه بر آن، مسیب سخنانی نیز از امام علی(ع) نقل کرده است (ر. ک. ثقفی کوفی، ۱۳۵۴: ۴۸۷/۲، ۵۷۱، ۸۲۶). عساکر

هم‌چنین برخی صفات، حالات و اشعار رجزگونه‌ی مسیب در مصاف را نیز از زبان راویان اخبار توأیین و دیگر شاهدان ذکر کرده است. به عنوان مثال، هشام از قول ابومخنف روایت می‌کند که به خدا سوگند، من هرگز انسانی شجاع‌تر از مسیب ندیده‌ام، آن‌گاه که در روز عین‌الوردۀ به شدت هر چه تمام حمله می‌برد و مصاف می‌کرد و با وجود آن‌که یک تن بود، به خیل دشمنان روی می‌آورد (ر. ک. ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۱۹۹/۵۸). بر اساس نقل ابن‌اثیر، عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب دو پسر به نام عون داشت؛ عون اکبر از حضرت «زینب(س)» زاده شد و عون اصغر از «جمانه» که دختر مسیب بن نجبه فزاری بوده است. عون اکبر همراه امام حسین(ع) در کربلا به شهادت رسید و عون اصغر در واقعه‌ی حرّه^۳ در مدینه شهادت یافت (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۰۹/۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۹۹۱: ۱۲۲/۴؛ ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۰۶: ۱۲۲).

۴.۲ دوران حیات

نظر به این‌که مسیب به هنگام شهادت در عین‌الورده (۶۵ ه.ق.) بیش از شصت سال داشته، احتمال دارد که او در یکی از سال‌های پیش از (۵ ه.ق.) زاده شده باشد، ازین رو دوران خلافت ابوبکر، عمر و عثمان را درک کرده است.

مسیب بن نجبه گویا از جهت سنی با مختار بن ابوعبیده هم‌سال بوده؛ ولی در جنبش توأیین یکی از امتیازات برتری سلیمان بر مسیب و مختار، کبر سنی او و سبقتش در اسلام بوده و بدین جهت در فراخوان قیام، بیشتر شیعیان گرد سلیمان جمع شده و او را به شیخوخیت نهضت توأیین می‌پذیرند و تا زمان حیات سلیمان صُرد، دعوت مختار برای خروج علیه اُمویان و قتل‌ی کربلا گرمی بازاری پیدا نمی‌کند. با این حال، چون مسیب از سرداران شجاع و یاران وفادار و جانباز مولا علی(ع) و فرزندان ایشان بوده نگارنده بهتر دانست تا با محوریت قرار دادن امام علی(ع) گزارشی جزئی و محدود از احوال مسیب بن نجبه ارائه کند.

۱.۴.۲ پیش از امامت حضرت علی(ع)

علی‌رغم تلاش بسیاری که به عمل آمد، جزئیاتی از احوال و روزگار آغازی زندگانی مسیب، پدرش و جایگاه و اعتبار او در میان قبیله‌ی فزاره به دست نیامد. جز این، مطلبی هم در تأیید افسانه‌ای که راویان مسیب‌نامه در اسلام آوردن محمد قعقاع خزاعی، شهادت او و

برادر مسیب در صفین، تربیت مسیب به دست امام علی(ع) و نوشتن منشور قیام آورده‌اند، مشاهده نشد.

گویا مسیب فزاری ضمن ارادتی که به خاندان پیامبر(ص) داشته؛ بنا بر نقل برخی مورخان، پیش از قرار گرفتن در صف اصحاب و یاران امام علی(ع)، در زمان خلفا علیه ایرانیان در نبرد قادسیه شرکت داشته (ر. ک. زرکلی، ۱۹۶۹: ۱۲۴/۸ - ۱۲۵؛ عسقلانی، ۱۹۹۵: ۸۱/۴؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۲۴/۳) و هم‌چنین در کنار خالد بن ولید در فتوحات دمشق مصاف‌ها کرده، پس از آن به عراق بازگشته است (ر. ک. ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۷۰۹/۱۱).

نظر به همین یادکرد تاریخی و با توجه به این‌که در تحریرهای بزرگ و کوچک مسیب‌نامه‌ها هم اشارات متعددی به غزای مسیب علیه کافران روم وجود دارد؛ می‌توان ادعای داستان‌پردازان را به گونه‌ای توجیه کرد؛ احتمالاً راویان مسیب‌نامه برای جلوگیری از سوء حظّ مخاطب ایرانی، موقعیت مکانی غزای مسیب علیه ایران را به روم تغییر داده‌اند.

۲.۴.۲ پس از امامت حضرت علی(ع)

مسیب از رؤسای کوفه و یکی از بزرگان و ارادتمندان خاصّ تشیع محسوب می‌شده و در میان خواص اصحاب امیرالمؤمنین(ع) و فرزندان ایشان صاحب نام و اعتباری بوده است. او از بزرگان تابعین و زهاد عصر بود و در عرب به پهلوانی و شجاعت شهرت داشت. مسیب در جنگ‌های جمل (ر. ک. طبری، ۱۳۶۲: ۳۸۱/۳؛ ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۴۴۸/۱۰)، صفین و نهروان حضور داشته و در رکاب امام علی(ع) جهاد کرده است (ر. ک. ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۷۰۲/۱۱؛ زرکلی، ۱۹۶۹: ۱۲۴/۸ - ۱۲۵).

ابن شهرآشوب برخی اقوال امام علی و امام حسن(ع) را به واسطه‌ی مسیب نقل قول کرده است (ر. ک. ابن شهرآشوب، ۱۹۹۱: ۱۳۳/۲، ۳۰۵) و در مناقب خود آورده: هنگامی که در جنگ جمل، مسیب بن نجبه همراه با مالک اشتر، حُجر بن عدی، قعقاع بن عمرو و دیگر یاران و اصحاب از کوفه به یاری امیرالمؤمنین(ع) آمدند، حضرت تا یک فرسخ به استقبال مسیب و همراهانش رفت و فرمود: «درود بر شما ای مردم کوفه و ای گروه اسلام و ای مرکز دین خدا» (ابن شهرآشوب، ۱۹۹۱: ۱۷۸/۳).

در دوران جنگ صفین، معاویه آب را بر سپاه امام علی(ع) بست و از جانب امام، مسیب و صعصعه برای رسالت به جانب معاویه رفتند و پس از جدالی لفظی با معاویه، ناکام به لشکر امام بازگشتند (ر. ک. أعثم کوفی، ۱۳۸۶: ۵۲۵ - ۵۲۷).

۱.۲.۴.۲ مسیب در مصاف عبدالله بن مسعده فزاری

عبدالله بن مسعده بن حکمه بن مالک بن حذیفه بن بدر معروف به عبدالله فزاری؛ هم‌قبیله‌ای مسیب؛ غلامی سیاه‌چهره بود که پیامبر(ص) او را به دخترش فاطمه زهرا(س) هدیه دادند، آن حضرت نیز عبدالله را آزاد کردند. عبدالله تا مدتی در کنار حضرت امیرالمؤمنین(ع) بود؛ اما بعدها به دلیل حيله‌ها و اغواگری‌های معاویه، عبدالله بن مسعده از دشمنان سرسخت امام علی(ع) شد، چنان‌که در جنگ صفین در صف خصمان امام علی(ع) قرار گرفت و یکی از معتمدان و یاران نزدیک معاویه به شمار می‌رفت. مورخان او را «صاحب الجیوش» لقب داده‌اند، زیرا در زمان معاویه و یزید، فرماندهی بسیاری از لشکرکشی‌های روم را بر عهده داشت.

معاویه در سال ۳۹ ه.ق. عبدالله فزاری را با هزار و هفتصد نفر به سوی تیماء فرستاد و او را فرمان داد که به هر کس از مردم بادیه عبور کردی، زکات او را بگیر و هر که از دادن زکات مال خویش امتناع ورزید، خویش را بریز، آن‌گاه به سوی مکه، مدینه و حجاز برو و با اهالی آنان نیز به همین صورت برخورد کن؛ بسیاری از اقوام و خویشان عبدالله در این امر با او مخالفت کردند؛ اما او سرانجام به جانب تیماء که در قلمرو حکومت امام علی(ع) واقع بود، لشکر کشید.

زمانی که خبر حمله‌ی عبدالله بن مسعده به امام علی(ع) رسید، ایشان مسیب بن نجبه فزاری را برای مبارزه با عبدالله مأمور کرد. مسیب در تیماء به عبدالله بن مسعده رسید و تا ظهر هم با عبدالله به سختی جنگید و در احوال جنگ نیز مسیب سه بار عبدالله را به شمشیر زخم زد؛ اما به دلیل این‌که عبدالله هم‌قبیله‌ای مسیب بود، از کشتن او پرهیز داشت، به همین خاطر او را امان داد و به گریز سفارش کرد.

پس از آن، ابن مسعده با بیشتر همراهان خود وارد قلعه‌ای در آن ناحیه شدند و باقی لشکر او هم به سوی شام گریختند و بدویان شتران زکات را که همراه ابن مسعده بود، غارت کردند. مسیب عبدالله بن مسعده و همراهانش را سه روز در محاصره نگاه داشت. پس از آن پای در قلعه هیزم ریختند و در را آتش زدند. زمانی که آتش مشتعل شد و ابن مسعده و یارانش هلاک خود را به چشم دیدند، مسیب را از فراز باروهای قلعه به پاس داشت حمیت و تعصب قبیله‌ای خود سفارش و تحریک کردند.

مسیب نیز دلش به رحم آمد و از طرفی هم دوست نداشت که آنان را بکشد، به همین دلیل گفت که آتش را خاموش کنند و بعد به یاران خویش گفت خبرگیرانی پیش من

آمده‌اند و گفته‌اند که سپاهی از شام به قصد شما می‌آید؛ آن‌گاه همه را به یک جا فراهم ساخت. شبان‌گاه ابن‌مسعده با یاران خویش حرکت کرد و به سوی شام گریخت و هنگامی که لشکر مسیب قصد تعقیب آنان را داشتند؛ مسیب ایشان را منع کرد و از جانب یاران به خیانت در فرمان امیرالمؤمنین (ع) متهم شد (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۱۹۵/۴؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۷۷/۱۰؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۲۸۹/۳؛ طبری، ۱۳۷۷: ۶۶۶/۴؛ تقفیی کوفی، ۱۳۵۴: ۴۱۸/۲ - ۴۱۹).

چون مسیب بن نجبه، خدمت حضرت علی (ع) رسید، نتیجه‌ی کار را گزارش داد، حضرت رفتار وی با عبدالله بن مسعده و سپاهیان‌ش را که دشمنان اسلام بودند، ملامت کرد و چند روزی او را به نزد خود راه نداد و بنا بر برخی اشارات، امیرالمؤمنین (ع) مسیب را توبیخ و به حبس انداخت؛ ولی با شفاعت بزرگان کوفه آزاد شد. امیرالمؤمنین (ع) پس از این ماجرا مسیب را برای سنجش راستی گفتار و کردارش آزمود و او را به جمع‌آوری صدقات و زکات، مأموریت داد و در این امر وی را با «عبدالرحمان بن محمد کندی» همراه گردانید. پس از انجام مأموریت، حضرت از آنان حسابرسی کرد و پی برد که مسیب در رفتار خود صادق بوده و خیانتی ننموده است، آن‌گاه به هر یک، حکومت ولایتی را سپرد و مراقب اعمال‌شان بود و چون از آن دو خیانتی ندید، ایشان را ستود.

۳.۴.۲ پس از شهادت امام علی (ع)

مسیب بن نجبه پس از شهادت امام علی (ع) با امام حسن (ع) و سپس امام حسین (ع) بیعت کرد و در این دوران از هواخواهان شیعه و مددکار امامان (ع) بود. تواریخ در دو واقعه به برجستگی حضور مسیب اشاره کرده‌اند.

۱.۳.۴.۲ مسیب در گفتگوی صلح امام حسن (ع)

پس از آن که بین امام حسن (ع) و معاویه پیمان صلح امضا شد، گروهی از خوارج بر معاویه خروج کردند و معاویه به امام حسن (ع) پیام فرستاد و تقاضا کرد که به جنگ با خوارج برود؛ اما آن حضرت فرمودند سبحان‌الله، من جنگ با تو را که بر من جایز است به جهت صلاح حال امت و اُلفت میان آنان رها کردم، اینک چنین می‌پنداری که حاضرم برای خاطر تو با کسی جنگ کنم؛ آن‌گاه معاویه بر فراز منبر رفت و هدف خود از جنگ با کوفیان را صرفاً حکومت بر آنان خواند نه اجرای احکام الهی.

مسیب بن نجبه وقتی سخن معاویه را شنید، به امام امام حسن (ع) عرض کرد شگفتی من از این که با معاویه بیعت کردید، تمام نمی‌شود، من بهتر می‌بینم به وضعیت پیش از صلح بازگردید، چرا که معاویه پیمان میان خود و شما را شکسته است، ما نیز باید پیمان را نادیده انگاریم و با او جهاد کنیم.

امام (ع) در ردّ پیشنهاد مسیب فرمودند ای مسیب، من این کار را برای دنیا نکردم که معاویه به هنگام جنگ پایدارتر و شکیباتر از من نیست، بلکه مصلحت شما را اراده کردم و این که از ریختن خون یکدیگر دست بردارید، لذا تن به صلح دادم، پس اینک به تقدیر و قضای پروردگار راضی باشید تا نیکوکاران آسوده باشد و از ظلم و ستم فاجری چون معاویه خلاصی یابد (ر. ک. ابن شهر آشوب، ۱۹۹۱: ۴/۴۰؛ اعثم کوفی، ۱۳۸۶: ۷۶۹ - ۷۷۰؛ امین الحسینی العاملی، ۱۴۰۳: ۱۲۵/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۶: ۴۹۹ - ۵۰۷).

۲.۳.۴.۲ مسیب در جمع دعوت‌کنندگان امام حسین (ع)

پس از عزیمت امام حسین (ع) به مکه، سران شیعه به اتفاق نظر یکدیگر برای خروج علیه یزید، نامه‌ای در دعوت از امام حسین (ع) و حضور ایشان در کوفه نوشتند، درین دعوت‌نامه مسیب بن نجبه، دومین کسی بود که پس از سلیمان صرد خزاعی با امام بیعت کرد. امام حسین (ع) نیز پس از آگاهی و حرکت به سمت کوفه، پیشتر در جواب نامه‌ی دعوت‌کنندگان؛ مسیب و هواخواهان را به وفای عهد سفارش می‌کنند؛ اما حامل این نامه، قیس بن مسهر صیداوی آسدی به دست ایادی ابن‌زیاد گرفتار می‌شود (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۱۱۲/۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۹۹۱: ۴/۹۷؛ ابن‌کنیر، ۱۹۹۸: ۱۱/۵۰۰، ۷۰۲؛ ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۰۶: ۹۹؛ اعثم کوفی، ۱۳۸۶: ۸۳۹ - ۸۴۰، ۸۸۱؛ طبری، ۱۳۷۷: ۴/۷۰۰).

۳.۳.۴.۲ مسیب در جمع توأین

لقب گروهی از شیعیان کوفه که در سال ۶۵ ه.ق. به رهبری سلیمان صرد جون خزاعی^۴ (۲۸ ق. ه - ۶۵ ه. ق) به خون‌خواهی امام حسین قیام کردند و در پیکار با امویان به شهادت رسیدند. شیعیان کوفه که امام حسین را برای رهبری کوفیان علیه یزید بن معاویه دعوت کرده بودند در سال ۶۱ ه.ق. از یاری وی در کربلا بازماندند، آنان خود را گناهکار دانسته از کرده‌ی خویش سخت پشیمان شدند و تنها راه رستگاری و پذیرش توبه را در خون‌خواهی امام حسین (ع) و کشتن قاتلان ایشان یا کشته شدن در این راه می‌دانستند، به همین سبب در

تاریخ تحت عنوان «توآیین» شهرت پیدا کردند (ر. ک. طبری، ۱۳۷۷: ۷۳۴/۴؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۱۸۰/۷؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۴: ۷۷۴/۲ - ۷۷۵).

گذشته از اشارات مختصر پرشمار و گزارشات نسبتاً مفصّلی که می‌توان از نهضت توآیین در اغلب تواریخ مشاهده کرد، دو رساله‌ی مستقل اخبار توآیین را به صورت مفصّل و جزئی گزارش کرده‌اند. قدیمی‌ترین مأخذ شناخته‌شده، رساله‌ای با عنوان «سلیمان بن صرد و عین‌الورده» تألیف ابومخنف ازدی کوفی (۱۷۰ ه.ق.؟) است و به فاصله‌ی ۱۵۰ سال پس از او، عبدالعزیز بن یحیی بن احمد جلودی ازدی بصری^۶ معروف به «شیخ بصره» کتابی دیگری در اخبار توآیین با نام «اخبار التوآیین و عین‌الورده» به دست داده است (ر. ک. نجاشی، ۲۰۱۰: ۲۳۲).

در یک نگاه کلی، شکل‌گیری و خروج نهضت توآیین به دو دوره تقسیم می‌شود و مسیّب خزاعی در هر دو وهله نقش برجسته‌ای در کنار سلیمان صرد بر عهده دارد:

۱.۳.۳.۴.۲ دوره پنهانی نهضت

چند ماه پس از واقعه‌ی کربلا و به دنبال کاهش سیطره‌ی نظامی عبیدالله بن زیاد در کوفه، حدود صد تن از شیعیان در خانه‌ی سلیمان صرد خزاعی گرد هم آمدند. شخصیت‌های برجسته‌ی این جمع، سلیمان بن صرد، مسیّب بن نجبه فزاری، عبدالله بن وال تمیمی، سعد بن عبدالله بن نفیل ازدی و رفاعه بن شداد بجلی، همگی از یاران امام علی (ع) بودند.

در این جلسه، سلیمان صرد به سبب سبقت در اسلام و مصاحبت با امام علی (ع) به رهبری نهضت برگزیده شد. سلیمان پس از آن، عبدالله بن وال تمیمی را مأمور کرد تا با هدایای شیعیان ساز و برگ نظامی فراهم آورد (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۱۲/۵ - ۳۱۵؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۸۴/۱۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۶۴/۶ - ۳۶۶؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲۴۰/۲ - ۲۴۲؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۱۸۲/۷ - ۳۱۸۴؛ مسکویه، ۱۳۶۶: ۹۶/۲). از این پس، تلاش‌های مخفیانه برای گسترش دعوت توآیین آغاز شد. سلیمان با نامه شیعیان مدائن و بصره را از تصمیمات خود آگاه کرد و رهبران شیعیان این دو شهر نیز به وی پاسخ مثبت داده مرسوم می‌گرفتند (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۱۶/۵ - ۳۱۷؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۸۵/۱۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۶۶/۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۱۸۴/۷ - ۳۱۸۸).

۲.۳.۳.۴.۲ دوره آشکار نهضت

مرگ یزید در سال ۶۴ ه.ق. و نزاع بر سر جانشینی وی در شام، مخالفان امویان را در عراق و حجاز به قیام برانگیخت و کمی بعد عبدالله بن زبیر در مکه مدعی خلافت شد. عبدالله بن زیاد، کارگزار امویان در عراق به شام گریخت و عمال عبدالله زبیر به سهولت بصره و کوفه را به چنگ آوردند. در این احوال، توأیین مجال یافتند تا دعوت خود را گسترده‌تر کنند. برخی از آنان با توجه به اوضاع متزلزل کوفه می‌خواستند تا دارالاماره کوفه را تصرف کنند و مانع حاکمیت زبیریان در این شهر شوند؛ اما سلیمان معتقد بود که به سبب پایگاه و نفوذ اشراف کوفه که در قتل امام حسین شرکت داشتند، هنوز زمان مناسب برای قیام فرانسیده و شیعیان باید به تلاش‌های خود برای گسترش دعوت بیفزایند.

در این زمان، دعوت سلیمان صرد به قیام در مصر هم شایع شد و عبدالله بن عبدالله مرّی از شیعیان مصر برای سلیمان بیعت می‌گرفت (ر. ک. ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۸۵/۱۱؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۱۸۸/۷ - ۳۱۸۹) تا این‌که شمار بیعت‌کنندگان در فهرست قیام به شانزده هزار تن رسید (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۱۶/۶؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۶۸/۶)؛ اما وقوع حوادث بعدی و حضور مختار ثقفی و زبیریان در کوفه پیامدهای ناخوشایندی برای توأیین به دنبال داشت.

مختار که در اندیشه‌ی خون‌خواهی امام حسین (ع) بود، پیش از مرگ یزید به عبدالله بن زبیر پیوست؛ ولی به سرعت از او جدا شد و در نیمه‌ی رمضان سال ۶۴ ه.ق. به کوفه رفت و خود را نماینده‌ی محمد بن حنفیه معرفی کرد و سعی کرد تا شیعیان کوفه را به سوی خود دعوت کند و نیز با نادرست نمایاندن تدبیر قیام توأیین و ناآگاهی ایشان از امور سیاسی، شایستگی سلیمان را برای رهبری قیام مخدوش کند، به هر روی مجموع احوال و وضعیت پیش آمده سبب شد تا جان‌نثاری و شهادت‌خواهی در راه آرمان و عقیده که هدف توأیین بود در کوفه طرفدار چندانی پیدا نکند (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۳۱۷/۵ - ۳۱۸؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۸/۶ - ۱۴؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۸۶/۱۱ - ۶۸۹؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۶۷/۶؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲۴۲/۲ - ۲۴۳؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۲۰۴/۷ - ۳۲۱۵)، هم‌چنین سلیمان از قبول کمک زبیریان برای قیام توأیین سر باز زد، او باور داشت که همراهی زبیریان در قیام موجب انحراف نهضت و پذیرفتن خلافت ابن‌زبیر خواهد شد (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۱۸/۶ - ۱۹؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۲۲۳/۷ - ۳۲۲۴).

در پایان ربیع‌الآخر سال ۶۵ ه.ق. توأیین در اردوگاه نخيله گرد آمدند و از شانزده هزار بیعتی که با سلیمان بسته شده بود تنها ۴۵۰۰ تن بر سر عهد باقی مانده در اردوگاه حاضر

شدند. توأیین پس از زیارت مرقد امام و شهدا در کربلا به سوی شام حرکت کردند و در قرقیسیا زفر بن حارث^۷، عموزاده‌ی مسیب و از مخالفان اُمویان، آذوقه‌ی فراوانی در اختیار توأیین گذاشت و با دادن اطلاعاتی از منطقه‌ی جنگی عین‌الورده کمکی شایانی به سپاه توأیین کرد (ر. ک. ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۱/۶ - ۲۳؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۳۷۰/۶ - ۳۷۱؛ طبری، ۱۳۷۷: ۷۳۵/۴ - ۷۳۶؛ طبری، ۱۳۶۲: ۳۲۳۱/۷ - ۳۲۳۴).

پس از گذشت مدتی از حضور توأیین در عین‌الورده، طلاّیه‌داران لشکر توأب به فرماندهی مسیب بن نجبه بر دشمنان تاخته و غنایمی به دست آوردند (ر. ک. ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۹۹/۱۱؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲۴۳/۲ - ۲۴۴) در این میان، خبر مرگ مروان حکم و آغاز خلافت عبدالملک مروان منتشر می‌شود و عبیدالله زیاد توانست با کاردانی و مدیریت بر آشفتگی و اختلاف میان لشکریان شام غلبه کرده و امور را سامان دهد.

مذاکرات توأیین با لشکر شام بر سر خلع عبدالملک و سپردن عبیدالله به سپاه توأیین به جایی نرسید و سرانجام پس از نبرد و مقاومتی جانانه، جنگ تا سه روز به طول انجامید و در این مدت، سلیمان صرد، مسیب بن نجبه، عبدالله وال و سعد بن عبدالله به شهادت می‌رسند و رفاعه بن شداد همراه پانصد تن شکست خورده و در تاریکی شب به سوی کوفه می‌گریزند و مدتی بعد به سپاه مختار می‌پیوندند (ر. ک. طبری، ۱۳۶۲: ۳۲۳۵/۷ - ۳۲۵۱؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۳/۶ - ۲۹؛ ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۶۹۹/۱۱ - ۷۰۱).

مسیب پس از شهادت سلیمان، در حالی که بیش از شصت سال داشت، با شدت تمام و بسیار دلاورانه بر شامیان یورش برد و چندین بار بخشی از سپاه دشمن را منهزم ساخت و گروهی به هلاکت رسانید. حملات پی‌درپی مسیب، شامیان را در تنگنا گذاشت، لذا بر خلاف قواعد جنگی آن روزگار که جنگ تن‌به‌تن بود، ناگهان گروهی از سپاهیان شام به جانب مسیب روی آوردند، در این رویارویی ناجوانمردانه سرانجام مسیب با تیری که یزید بن حصین به جانب او پرتاب کرد، از پای درآمد و به شهادت رسید؛ عبیدالله بن زیاد، سر وی را به وسیله‌ی ادهم بن محرز باهلی برای عبدالملک بن مروان فرستاد (ر. ک. ابن‌کثیر، ۱۹۹۸: ۷۰۳/۱۱).

۵.۲ مسیب در النقص

در سده‌ی ششم هجری یکی از علما و دانشمندان شیعی ساکن در ری، با نام عبدالجلیل قزوینی رازی (۵۰۴ - ۵۸۵؟)، رساله‌ای تحت عنوان مختصر و مرسوم «النقص» (۵۶۰ ه. ق.

؟) در مقابله با عقاید مطروحه در کتاب «بعض فضائح الروافض» تألیف کرد که احتمالاً توسط نوناصبی کهن‌شیعه‌ای، به نام شهاب‌الدین تواریخی در اعتراض به شصت و هفت باور نادرست شیعه فراهم آمده بود.

«النقض» هر چند به دلیل نثر ممتاز و پخته‌ی مرسل خود در تحقیقات سبک‌شناسی و دستور فارسی مطمح نظر است؛ اما از جهات مختلف مذهبی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی، اساساً مأخذی تاریخی محسوب می‌شود و ارتباطی با ادبیات ندارد.

مطلبی که در این بخش، سبب اهمیت «النقض» شده، اشارات چند باره‌ی عبدالجلیل رازی از مسیب و دیگر صاحب‌خروجان است. صاحب‌النقض برای دفاع از مجاهدات و فتوح حضرت علی(ع) و اصحاب ایشان، مخاطبان حقیقت‌جوی را به مطالعه‌ی اخبار به‌جامانده از آنان ترغیب می‌کند و در این میان، از اخبار و کارنمایی‌های مسیب و دیگر منتقمان تحت عنوان «قصه» یاد می‌کند و جالب‌تر این‌که از مسیب به سلسله‌ی نسب تاریخی‌اش، «مسیب بن نجبه»، نام برده است.

از اشارات‌النقض چنان می‌توان دریافت که در قرن ششم و حتی پیش از آن، دفاتر اخبار مسیب و دیگر خروج‌کنندگان رواج داشته و خطاب «قصه» بدین اخبار، بر وجود داستان‌پردازانی دلالت دارد که به نقل اخبار مسیب، مختار و ابومسلم اشتغال داشته و با معرکه‌ی نقل خود مردم را به گرد هم جمع می‌کرده‌اند و چه بسا که به بهانه‌ی خواندن دفاتر اخبار ابوطاهر طرسوسی گرمی بازاری داشته‌اند. مجموع اشارات‌النقض از مسیب به دوران پس از شهادت امام حسین(ع) و حضور او در میان توأیین باز می‌گردد.

اما فتح‌های اسلام در اوّل و آخر، یا امیرالمؤمنین علی کرد و تابعان او، یا عمر الخطاب کرد و یاوران او؛ اما آن‌چه شیعه و یاران علی کردند، فراموش نبایست کردن چنان‌که معلوم است از مردی و صلابت و مبارزت مالک اشتر النخعی رحمه الله علیه و سهل حنیف انصاری و حارث بن أعور همدانی و قصه‌ی خروج مختار بوعبید تقفی که صد هزار خارجی و اموی و مروانی را چگونه کشت و مدت شش سال تمام از کوفه و بصره تا بلاد ری و خراسان و نهاوند و حدود اصفهان و حدود آذربایجان خطبه و سکه به نام او بود... و غزوات و فتوح محمد حنفیه رحمه الله علیه، پسر امیرالمؤمنین علیه‌السلام خود ظاهر و شایع است و در مغازی مذکور و مسطور است و آن‌چه محمد بوبکر کرد در حدود شام و مصر از قبل امیرالمؤمنین و شهادت که یافت در آن مجاهدت معروف است و قصه‌ی مسیب بر باید خواندن تا بداند که کمتر از آن نکرد

که مبارزان عهد عمری که یاد کرده است و قصه‌ی ابراهیم اشتر و حرب‌های او و قصه‌ی سلیمان صُرد خزاعی (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۱۵۳ - ۱۵۴).

و در عهد هر امامی از حسن علی تا به مهدی عسکری بسیار محققان معتمد بوده‌اند چون بنی‌همدان و بنی‌ثقیف و شهداء کربلا که جان فدا و تن سبیل کردند در راه خدا و بعد از آن چون مختار بوعبید الثقفی و مسیب و سلیمان و رفاعه و حمید بن مسلم و غیرهم رضی الله عنهم (همو: ۲۰۸).

و اما آنچه گفته است که کشندگان حسین علی شیعیت بودند و ندانسته است که شیعیت او بنی‌همدان و بنی‌ثقیف و بنی‌مراد و بنی‌مذحج و بنی‌خزاعه بودند که هرگز نه برگشتند و نه عهد و پیمان بشکستند، چون سلیمان صُرد خزاعی و مسیب بن نجبه... (همو: ۳۶۷).

۳. نتیجه‌گیری

برآیند حاصل از بررسی حضور مسیب در تاریخ پیش و پس از عاشورا، حکایت از حضور فعال او در این محدوده‌ی زمانی دارد. علی‌رغم اهمیت جایگاه و اعتبار مسیب در میان صحابه حضرت علی (ع)، نقش او در صلح امام حسن (ع) و سبقت بیعت با امام حسین (ع) و نیز تلاش‌های ابتدایی مسیب علیه یزید، پیوند و پیمان او با سلیمان صُرد خزاعی و جانبازی در راه امام حسین (ع) بیش از همه مورد توجه و کنکاش مورخان قرار گرفته است و همین امر سبب شده تا منابع تاریخی هویت مسیب را بر پایه اقدامات او در خون‌خواهی امام حسین (ع) تبیین کنند. به تبع همین نقش، مسیب در جنبش خون‌خواهان حسینی، به عنوان نخستین خروج‌کننده شناخته شده و داستان‌پردازان ادبیات تشیع نیز در شرح کردارهای او روایت‌هایی را نقل کرده‌اند و این جریان احتمالاً مهم‌ترین دلیل توجه مؤلف روضه‌الشهدا و صاحب‌النقض به مسیب بن نجبه شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. محمد (ر. ک. ابن‌عساکر، ۱۹۹۵: ۱۹۳/۵۸).
۲. در صفحه‌ی آغازی نسخه‌ای تازی از مختارنامه به روایت ابومخنف تحت عنوان «أخبار المختار» محفوظ در کتابخانه‌ی مدرسه زهان - فائن، مکتوب به تاریخ ۷ جمادی‌الاولی ۱۲۸۶ ه. ق.

مشخصات مسیب بدین صورت آمده است «قال ابومخنف لوط بن يحيى الأزدي، قال حدثنا... و سليمان بن صرد الخزاعي و المسيب بن كثير الفزاري» [گ ۱ آ].

۳. قیام و شورش تاریخی مردم مدینه بر ضد یزید بن معاویه به دلیل سختگیری و ستم عاملان او بر مدینه و به دنبال آن واقعه‌ی خونین درهم شکستن قیام توسط یزید با حمله خونبار سپاهیان به شهر مدینه در سال ۶۳ ه.ق. است که در پی آن یزید سپاهی به فرماندهی «مسلم بن عقبه مری» برای سرکوب اهالی مدینه گسیل داشت. اهالی مدینه با او به مقابله برخاستند و خندق دور شهر کردند؛ اما او توانست با سپاهیان وارد شهر شود؛ او بعد از ورود به مدینه، شهر را سه روز بر سپاهیان مباح کرد که در پی آن خون‌های افراد بی‌گناه بسیاری ریخته شد، و حریم‌ها شکسته شد، و به نوامیس تجاوز شد و از این واقعه بیش از شش هزار کشته برجای ماند.

۴. گویا در آغاز، یسار نام داشته و برده‌ی آزادکرده‌ی میمونه دختر حارث هلالی، همسر پیامبر(ص) بوده؛ اما پس از این‌که اسلام آورد، پیامبر(ص) او را سلیمان نام نهاد و او برای سکونت به کوفه رفت و در آن‌جا مقیم شد. سلیمان دو برادر به نام‌های «عبدالله بن یسار» و «عبدالملک بن یسار» داشته است (ر. ک. ابن سعد، ۱۳۶۵: ۲۹۰/۵ - ۲۹۱؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲/۲۴۰).

۵. اشارات مختصر در منابعی چون (ر. ک. ابن کثیر، ۱۹۹۸: ۱۱/۶۸۴ - ۶۹۰؛ امین‌الحسینی‌العاملی، ۱۴۰۳: ۱۰/۱۲۵؛ بلاذری، ۱۹۹۶: ۶/۳۶۳ - ۳۷۴؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۲/۹۱۱ - ۹۱۷؛ ثقفی کوفی، ۱۳۵۴: ۲/۴۸۷ - ۴۸۸؛ دهخدا، ۱۳۷۷: ۵/۷۰۸۳ - ۷۰۸۳؛ زرکلی، ۱۹۶۹: ۳/۱۸۸ - ۱۸۹، ۱۲۴/۸ - ۱۲۵؛ شوشتری، ۱۳۶۵: ۲/۲۴۰ - ۲۴۵؛ مسعودی، ۱۳۸۲: ۲/۹۷ - ۱۰۰؛ مسعودی، ۱۳۸۹: ۲۸۹) ذکر شده و گزارشات نسبتاً مفصلی هم از توابعین در (ر. ک. ابن اثیر، بی‌تا: ۱۶/۶ - ۳۳؛ طبری، ۱۳۶۲: ۷/۳۱۷۹ - ۳۲۵۱؛ مسکویه، ۱۳۶۶: ۲/۹۵ - ۱۱۳) آمده است (نیز ر. ک. رفیعی، ۱۳۷۵: ۵/۱۲۵ - ۱۲۷؛ بادکوبه‌ی هزاوه، ۱۳۸۳: ۸/۳۵۰ - ۳۵۲؛ بهرامیان، ۱۳۸۷: ۱۶/۲۶۶ - ۲۶۸).

۶. جلودی چند تألیف دیگر نیز در ارتباط با مسیب‌نامه و نظایر آن دارد که عبارت‌اند از: «کتاب اخبار مختار بن ابی‌عبید الثقفی»، «کتاب اخبار محمد بن حنفیه»، «اخبار عمرو بن معدی کرب»، «کتاب اخبار حمزه بن عبدالمطلب» (ر. ک. نجاشی، ۲۰۱۰: ۲۳۲ - ۲۳۳).

۷. زفر بن حارث پیش از کشته شدن عبدالله بن زبیر، در اثر فشار لشکریان مروانی، با عبدالملک مروان بیعت می‌کند.

کتاب‌نامه

ابن اثیر، علی بن محمد (بی‌تا). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه‌ی عباس خلیلی، ج ۶، چ ۱، تهران: موسسه‌ی مطبوعاتی علمی.

ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۶۵). *طبقات*، ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی، ج ۵، چ ۱، تهران: فرهنگ و اندیشه.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۹۹۱). *مناقب آل ابی طالب*، ج ۲ و ۳، چ ۲، بیروت: دارالأضواء.
ابن عساکر، ابی القاسم علی بن الحسن (۱۹۹۵). *تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمانتل*، تحقیق محب‌الدین ابی سعید عمر بن غرامه العمری، ج ۵۸، بیروت: دارالفکر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۹۹۸). *البدایة و النهایة و معه نهایة البدایة و النهایة فی الفتن و الملاحم*، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر.

ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (۲۰۰۶). *مقاتل الطالبین*، تحقیق احمد صقر، چ ۴، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

أعثم کوفی، محمد بن علی (۱۳۸۶). *الفتوح*، ترجمه‌ی محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.

الهی، صدرالدین (۱۳۷۲). «پس از خواندن کتابی درباره‌ی یک حماسه‌ی دینی عامیانه، مسیّب‌نامه»، *مجله‌ی ایران‌شناسی*، ش ۱۷، صص ۱۳۰ - ۱۴۳.

امین‌الحسینی‌العاملی، محسن (۱۴۰۳). *أعیان‌الشیعة*، تحقیق حسن‌الأمین، ج ۱۰، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

بادکوبه‌ی هزاوه، احمد (۱۳۸۳). «توابعین»، *دانشنامه‌ی جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۸، چ ۱، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۹۶). *انساب‌الأشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، ج ۶، طبعه الأولى، بیروت: دارالفکر.

بهرامیان، علی (۱۳۸۷). «توابعین»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۶، چ ۱، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

پورمختار، محسن (۱۳۹۳). «نکاتی درباره‌ی داستان عامیانه‌ی مسیّب‌نامه و معرفی نسخه‌ی فهرست‌ناشده‌ای از آن»، *کتاب الکترونیک مقالات نخستین همایش ملی نگاه‌ی نو به ادبیات عامه*، دانشگاه ولیعصر رفسنجان (عج).

تنوی، قاضی احمد و آصف‌خان قزوینی (۱۳۸۲). *تاریخ‌الغی*، تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، ج ۲، چ ۱، تهران: علمی و فرهنگی.

ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۴). *الغارات*، تصحیح جلال‌الدین محدث‌آرموی، ج ۲، چ ۱، تهران: انجمن آثار ملی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، ج ۵، ۱۳، چ ۲، تهران: دانشگاه تهران.

رفیعی، علی (۱۳۷۵). «توابعین»، *دایرةالمعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۵، چ ۱، تهران: نشر شهید سعید محبی.

- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۶۹). *الاعلام*، ج ۸ و ۳، چ ۳، بیروت: بی‌نا.
- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین. (۱۳۶۵). *کتاب مستطاب مجالس المؤمنین*، ج ۲، تهران: اسلامیه.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). *تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، ج ۷، چ ۲، تهران: اساطیر.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۷). *تاریخ‌نامه‌ی طبری*، ترجمه‌ی بلعمی، تصحیح محمد روشن، ج ۵، چ ۱، تهران: سروش.
- طرسوسی، ابوطاهر. (۱۳۸۹). *داراب‌نامه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، ج ۲، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- عسقلانی، أحمد بن علی بن حجر. (۱۹۹۵). *تهذیب التهذیب*، تصحیح ابراهیم الزبیک و عادل مرشد، ج ۴، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- قرشی، باقرشریف. (۱۴۱۲). *حیة الإمام الحسین علیه السلام*، بیروت: دارالبلاغه.
- قرشی، باقرشریف. (۱۳۷۶). *الحیة الحسن*، ترجمه فخرالدین حجازی، تهران: بعثت.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل. (۱۳۵۸). *النقض*، تصحیح جلال‌الدین محمّد آرموی، تهران: انجمن آثار ملی.
- کاشفی سبزواری، حسین واعظ. (۱۳۹۰). *روضه‌الشهدا*، تصحیح علی تسنیمی و حسن ذوالفقاری، چ ۱، تهران: معین.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۷). *ادیب‌ات عامیانه‌ی ایران*، به کوشش حسن ذوالفقاری، چ ۴، تهران: چشمه.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۲). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، مترجم ابوالقاسم پاینده، ج ۲، چ ۷، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسعودی، علی بن حسین. (۱۳۸۹). *التنبيه و الاشراف*، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، چ ۴، تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکویه، احمد بن محمد. (۱۳۶۶). *تجارب‌الأمم*، به کوشش ابوالقاسم امامی، ج ۲، چ ۱، تهران: سروش.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۲۰۱۰). *فهرست اسماء مصنفی الشيعة المشتهر به رجال نجاشی*، بیروت: شرکت الأعلمی المطبوعات.

Çetin, Abdülbaki. (2008). «Müseyyeb-Nâme Üzerine On Museyyeb-Name», *Journal of Turkish research institute university of Atatürk*, vol 15, issue 36, pp 319 - 344.

Erdem, Mehmet Dursum. (2007). *Müseyyeb-nâme*, 1st ed, Ankara: Hece Yayinlari.

Yildirim, Riza. (2015). «In the Name of Hosayn's Blood: The Memory of Karbala as Ideological Stimulus to the Safavid Revolution», *Journal of Persianate Studies* (Brill), vol 8, issue 2, pp 127 - 154.